



DOI: 10.30497/PKN.2024.245466.3120

Received: 2023/11/20

Accepted: 2024/08/05

Analyzing the Components of Economic Diplomacy of Qatar

Mehdi Abbaszadeh Fathabadi*

Today, with changing in the priorities of the diplomatic system of countries, strengthening the economic growth indicators has a higher priority than other goals. In many theories and definitions of globalization, the economic element of this process is emphasized and numerous theorists consider the dominant aspect of globalization to be economic. In general, in the era of globalization, economic diplomacy means the intersection of diplomacy and economic interests in line with national interests. Its successful application in the network of complex mutual relations will guarantee the provision of national interests only by presenting successful diplomacy. The purpose of this article is to investigate the dimensions and components of economic diplomacy of the Qatar government. The main question of this research is what is the economic diplomacy of the Qatari government and what dimensions and components does it have? In this research, based on the descriptive-analytical method and using the conceptual framework of economic diplomacy as one of the special tasks of the government in the age of globalization, the specific experience of Qatar in this field is investigated and analyzed. The findings of the research show that the developmental government of Qatar, with a detailed understanding of global developments centered on the economy and by using its ability in the field of economic diplomacy, especially in the field of energy and based on a state-oriented economy, with an emphasis on economic diversification in the international arena in order to secure national interests, it has been very active and has taken effective and useful steps through investment in various fields and in different regions of the world and also in the field of attracting foreign investment and has shown a very successful model of himself in the field of economic diplomacy.

Keywords: Economic diplomacy, Foreign policy, Foreign investment, Energy, Qatar.

* Associate Professor of Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, I.R.Iran.
abbaszadeh@uk.ac.ir

تحلیل مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی قطر

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

مهدی عباسزاده فتح‌آبادی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

مقاله برای بازنگری به مدت ۴۰ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

امروزه با تغییر اولویت‌های دستگاه دیپلماسی کشورها، تقویت شاخص‌های رشد اقتصادی از تقدم بالاتری نسبت به دیگر اهداف برخوردار است. در بسیاری از نظریه‌ها و تعریف‌های جهانی شدن، بر عنصر اقتصادی این فرایند تأکید شده و نظریه پردازان پرشماری، وجه غالب جهانی شدن را اقتصادی می‌دانند. هدف مقاله حاضر تحلیل و ارائه تجارب سایر کشورها در موضوع دیپلماسی اقتصادی است. سؤال اصلی آن است که دیپلماسی اقتصادی دولت قطر چه مؤلفه‌هایی دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قطر بر پایه یک اقتصاد دولت - محور با تأکید بر تنوع‌بخشی اقتصادی در عرصه بین‌الملل و از طریق رشد تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های گوناگون و در مناطق مختلف جهان و همچنین متقابلاً در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، الگوی خود را در حوزه دیپلماسی اقتصادی به نمایش گذارده است.

واژگان کلیدی: انرژی، دیپلماسی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، سیاست خارجی، قطر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

بیان مسئله: در قرن ۲۱ دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزاری مؤثر از سوی کشورهای مختلف برای تأمین منافع ملی در پیش گرفته می‌شود. در این میان دولت‌های کوچک که همواره به‌عنوان بازیگرانی آسیب‌پذیر در نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند، اکنون قادرند در برخی زمان‌ها بر دیدگاه منحصربفرد خود در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تأثیرگذاری قابل توجه در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی سرمایه‌گذاری و پافشاری کنند. در این بین قطر نمونه‌ای از حرکت از یک دولت کوچک از آسیب‌پذیری به انعطاف‌پذیری است. مقاله حاضر به تجربه کشور قطر در حوزه دیپلماسی اقتصادی می‌پردازد.

اهمیت: فهم دیپلماسی اقتصادی قطر نیازمند تأمل در نقش دولت‌های کوچک در نظام بین‌الملل است و باید بررسی‌های عمیقی برای درک بهتر نقش و جایگاه این کشورها در عصر جهانی شدن صورت پذیرد. کشورهای کوچک نباید در مطالعات دانشگاهی کنار گذاشته شوند و نظریه‌های روابط بین‌الملل، نیازمند انطباق با واقعیت‌های در حال تغییر در سیاست جهانی هستند. قطر کشوری کوچک اما تأثیرگذار در سطح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس می‌باشد. بنابراین شناخت تجربه این کشور دارای اهمیت کاربردی بوده و می‌تواند در ارتقای الگوی دیپلماسی اقتصادی کشور به کار آید.

ضرورت: عدم توجه و یا کم توجهی به تجربه کشوری مانند قطر، که در حوزه دیپلماسی اقتصادی دارای دستاوردهای قابل ذکری است؛ می‌تواند میزان بهره‌وری ما را از نکات مثبت این تجربه محروم و یا کشور ما را به تجربه مجدد کاستی‌های الگوی قطری نماید. براین اساس پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی می‌باشد.

اهداف: هدف اصلی پژوهش حاضر تقویت شناخت کارشناسان از الگوهای دیپلماسی اقتصادی موجود با مرور تجارب سایر کشورها است. در همین خصوص شناسایی نقاط ضعف و قوت الگوی قطری، و همچنین شناسایی شیوه‌های مؤثر به‌کارگرفته‌شده از سوی دولت قطر در حوزه دیپلماسی اقتصادی، به‌عنوان دو هدف فرعی مدنظر هستند.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نبوده و سؤال‌محور است. سؤال اصلی پژوهش این است: مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی دولت قطر کدام‌اند؟ سؤال‌های فرعی

نیز متناسب با نظریه مبنایی نویسنده، عبارت‌اند از: تجارت خارجی در برنامه دیپلماسی اقتصادی قطر چه جایگاهی دارد؟ انرژی چه جایگاهی در دیپلماسی اقتصادی قطر دارد؟ سرمایه‌گذاری خارجی در دیپلماسی اقتصادی قطر چه جایگاهی دارد؟ و سیاست سرمایه‌گذاری خارجی قطر چگونه است؟

روش: پژوهش حاضر از حیث نوع، کاربردی و از حیث رویکرد محقق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل داده‌ها از «روش نظریه مبنا» - نظریه چهار رکنی دیپلماسی اقتصادی - استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص دیپلماسی اقتصادی دولت قطر پژوهش‌هایی صورت گرفته که در دو حوزه قابل بررسی می‌باشد:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

در خصوص موضوع مورد پژوهش در فصلنامه دانش سیاسی هیچ پژوهشی که مستقیماً به این موضوع پرداخته باشد، یافت نمی‌شود؛ البته در این راستا می‌توان به مقاله‌های پوراحمدی (۱۳۸۸-الف و ۱۳۸۸-ب) در حوزه دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و پوراحمدی (۱۳۸۶) در راستای اقتصاد سیاسی، دیپلماسی کارآمد در نظام جهانی اشاره کرد که صرفاً اشاره‌هایی کلی به قطر دارند، و هیچ‌کدام به‌صورت مستقل به دیپلماسی اقتصادی قطر نپرداخته‌اند.

۱-۲. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

در سایر منابع علمی از دو منظر اصلی به موضوع دیپلماسی اقتصادی قطر پرداخته شده است:

الف. آثاری که ذیل سیاست خارجی به دیپلماسی اقتصادی قطر پرداخته‌اند.

در این آثار به کلیت موضوع سیاست خارجی و دیپلماسی کشور قطر پرداخته شده و به‌طور خاص به دیپلماسی اقتصادی اشاره نشده است؛ به‌عنوان مثال رجبی بهجت (۱۳۹۴) معتقدند که دولت قطر علی‌رغم محدودیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ناشی از کوچک بودن و عدم برخورداری از عمق راهبردی در سال‌های اخیر به‌ویژه در دوران

حکومتی حمد بن خلیفه آل ثانی و تمیم بن حمد، یک نوع سیاست خارجی و دیپلماسی فعال را در پیش گرفته و موقعیت خود را در عرصه بین‌المللی ارتقا داده است. سرخیل (۱۳۹۵) نیز به تحولات سیاست خارجی قطر از دوره خلیفه بن حمد تا دوران حمد بن خلیفه و تمیم بن حمد پرداخته و سیر تحول و تغییر از راهبرد محافظه‌کارانه به راهبرد بی‌طرفی فعال را در سیاست خارجی و دیپلماسی قطر تبیین کرده است.

ب. آثاری که از منظر قدرت نرم به دیپلماسی اقتصادی قطر پرداخته‌اند.

اصغری ثانی و رنجکش (۱۳۹۳) به چگونگی استفاده کشوری ذره‌بینی از منابع نرم‌افزاری برای ارتقاء منزلت ملی پرداخته‌اند و در این راستا به دیپلماسی اقتصادی اشاره نموده‌اند. رنجبر حیدری و همکارانش (۱۳۹۴) و همچنین کریمی‌پور و همکارانش (۱۳۹۶) به‌طور خاص به موضوع دیپلماسی رسانه‌ای این کشور پرداخته و بر توانمندی قطر در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان ابزار قدرت نرم که می‌تواند حامی دیپلماسی اقتصادی باشد؛ تأکید نموده‌اند. همچنین رنجکش و همکارانش (۱۳۹۲) موضوع برندسازی در سیاست خارجی و سرمایه‌گذاری قطر را به‌عنوان رکن اصلی دیپلماسی اقتصادی قطر به بحث گذارده‌اند.

تحلیل پیشینه حاکی از آن است که عموم آثار به کلیات سیاست خارجی قطر و قدرت نرم این کشور به‌طور کلی تمرکز داشته و دیپلماسی اقتصادی قطر به‌صورت مستقل کمتر مورد توجه بوده است؛ بنابراین پژوهش حاضر از این حیث برجسته بوده و نوآوری دارد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

با عنایت به محوریت بحث دیپلماسی اقتصادی در پژوهش حاضر ارکان اصلی مفهومی و نظری بحث عبارت‌اند از:

۲-۱. دیپلماسی

دیپلماسی دربردارنده اهداف و ابزارهای سیاست خارجی است و گاهی مترادف و معادل با سیاست خارجی به‌کار می‌رود. در واقع دیپلماسی، ابزار اجرای سیاست خارجی است. دیپلماسی چهار کارکرد دارد: تعریف و تعیین اهداف ملی بر اساس قدرت،

بررسی و ارزیابی اهداف دولت‌های دیگر و ظرفیت و توانایی آنها، تعیین میزان تطابق و سازگاری منافع و اهداف گوناگون با یکدیگر و تهیه کردن ابزار لازم برای نیل و دستیابی به اهداف و منافع مذکور. دیپلماسی یک کشور وقتی موفق است که بتواند از تمامی ابزار و فنون در دسترس بهره‌بردار (قاسمی، ۱۳۸۶، ص. ۱۸).

۲-۲. دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی به گفتگو و مذاکره در باب موضوعات و مسائل مهم اقتصادی بین‌المللی تمرکز می‌کند. به بیان دیگر هنجارها، قواعد و رژیم‌های برآمده از توافقات اختیاری و الزام‌آور و نیز بحث‌ها و گفتگوهای دیگری که بر تکوین و توسعه تکاپوهای اقتصادی بین‌المللی مؤثرند، در این حیطه موضوعی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند (کر و وایزمن، ۱۳۹۲، ص. ۳۱۵). بر این اساس می‌توان مفهوم و نظریه دیپلماسی اقتصادی را به شرح زیر در حد نوشتار حاضر تحدید نمود:

الف. مفهوم شناسی

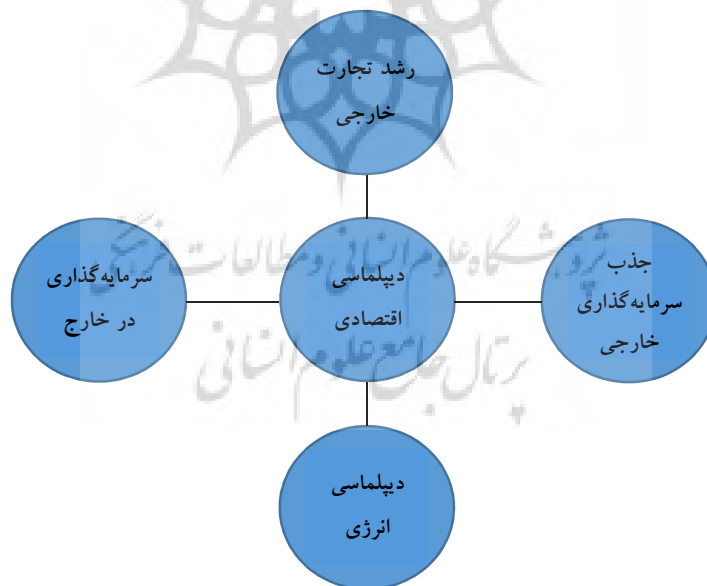
دیپلماسی اقتصادی در چهارچوب سیاست خارجی کشورها و سرزمین‌های مختلف می‌باشد. به بیان دیگر دیپلماسی اقتصادی شامل مجموعه‌ای از اقدامات دیپلماتیک دولتی می‌شود که بر حوزه‌هایی از جمله جذب سرمایه‌های خارجی، توسعه صادرات، و تأمین منافع ملی اقتصادی کشور در روابط بین‌الملل تمرکز دارد.

ب. نظریه

بررسی دیدگاه‌های موجود در مورد دیپلماسی اقتصادی بیانگر این است که اگرچه نظریه واحدی وجود ندارد؛ اما به این حوزه موضوعی یعنی اتصال بین امور اقتصادی و سیاسی و ارجحیت داشتن اقتصاد و دیپلماسی اقتصادی در موضوعات مرتبط با قدرت و امنیت ملی از دیدگاه‌های مختلف توجه شده است. متخصصان روابط بین‌الملل همچنین به دیپلماسی اقتصادی و موقعیت و جایگاه اقتصاد در سیاست و روابط بین‌الملل از دو نظرگاه واقع‌گرایانه و لیبرالیستی پرداخته‌اند؛ رویکردهای لیبرال به اهمیت و اولویت اقتصاد و رفاه و جایگاه آن در همیاری و همگرایی جهانی و همچنین پیدایش وضعیت وابستگی متقابل و در نتیجه صلح و امنیت بین‌المللی نگاهی امیدوارانه دارند. از سوی دیگر واقع‌گراها برای امور

اقتصادی در روابط بین‌الملل، نقش و جایگاه ثانویه و مکمل قدرت در نظر می‌گیرند. هرچند این دو نظرگاه در بازتولید و بازتعریف تازه از مکاتب قدیمی در قالب‌های نواقع‌گرایی و نولیبرالیسم بسیار به یکدیگر نزدیک می‌شوند (گریفیتس و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۱۵ و ۱۰۵) و اقتصاد از نقش و جایگاه ویژه‌ای در سیاست و روابط بین‌الملل برخوردار می‌شود و اقتصاد از یک‌طرف و سیاست و امنیت از طرف دیگر رابطه‌ای متقابل و هم‌افزا پیدا می‌کنند. از نظر نویسنده و در حد نوشتار حاضر، دیپلماسی اقتصادی به معنای به‌کارگیری ابزار، امکانات و توانمندی‌های اقتصادی در سیاست خارجی در جهت نیل به اهداف و منافع ملی می‌باشد. براین‌اساس شاخص‌های مهم و کلیدی دیپلماسی اقتصادی برگرفته از منابع مختلف عبارت‌اند از: رشد تجارت خارجی از طریق توافقات اقتصادی و تجاری دوجانبه و چندجانبه و تعاملات مثبت در جهت همکاری و همگرایی در سطح بین‌المللی، دیپلماسی انرژی (برای دسترسی به بازار انرژی)، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری در خارج.

شکل شماره (۱): الگوی تحلیل دیپلماسی اقتصادی



(طراحی شده توسط نویسنده)

۳. جایگاه دیپلماسی اقتصادی در برنامه توسعه ملی قطر

اقتصاد کشور قطر بعد از دوره ظهور و افول تجارت مروارید، با شناسایی و اکتشاف میدان‌های نفتی در قرن ۲۰ دچار تغییر و تحول اساسی شد و با اکتشاف و بهره‌برداری از میدان‌های گاز طبیعی به‌ویژه گنبد شمالی که بزرگترین میدان گاز طبیعی دنیاست، تحولات اقتصادی این کشور نیز آغاز شد. قطر دارای ذخایر نفتی بیش از ۲۵ میلیارد بشکه و در مقام سیزدهم جهان قرار دارد. این کشور همچنین دارای بزرگترین میدان مستقل گازی (غیرهمراه با نفت) و بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی مایع جهان است. میزان ذخایر اثبات‌شده گاز قطر ۸۹۰ تریلیون فوت مکعب، یعنی معادل ۱۳ درصد ذخایر جهانی می‌باشد. این کشور بعد از روسیه و ایران، جایگاه سوم دارندگان گاز طبیعی را در اختیار دارد. عمده ذخایر گاز طبیعی قطر در میدان فراساحلی شمالی قرار دارد که محدوده‌ای تقریباً معادل خود سرزمین قطر دارد. قطر هم‌اکنون سالیانه نزدیک ۸۰ میلیون تن تولید گاز مایع طبیعی دارد و قرار است تا سال ۲۰۲۷ این رقم با ۶۴ درصد رشد به ۱۲۶ میلیون تن برسد (Al-Tamimi et al., 2023: 36). قطر در سال‌های اخیر رشد بی‌سابقه اقتصادی را تجربه کرده و از طریق راهبردهای زیر در تلاش است تا روند رشد اقتصادی را تسریع ببخشد: اجرای سیاست تنوع‌بخشی منابع درآمد، بهینه‌سازی منابع هیدروکربن نفت و پتروشیمی و گاز طبیعی، توسعه و بازاریابی پروژه‌های گاز طبیعی، آزادسازی اقتصادی، فعال‌سازی بخش خصوصی، و قانون‌گذاری برای تسهیل رویه‌های سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی (Ai-Tamimi, 2023: 38). از دهه ۱۹۹۰ قطر جایگاه ویژه‌ای در عرصه جهانی کسب کرد و از طریق ادغام در اقتصاد جهانی در زمره ثروتمندترین کشورهای جهان قرار گرفت. درآمد سرانه قطر طبق آمار صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۲م حدود ۸۴۴۲۰ دلار بوده و برای سال ۲۰۲۳ حدود ۸۳۸۹۰ دلار پیش‌بینی شده است. این بازیگر به اصطلاح ذره‌بینی، از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی ثروتمندترین کشور در جهان اسلام است و نرخ سرانه تولید ناخالص داخلی قطر در حدی است که در رتبه‌بندی‌های جهانی، بعضی شاخص‌های اقتصادی آن با اقتصادهای بزرگ اروپایی قابل قیاس است. طبق آمار

صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی قطر در سال ۲۰۲۲م حدود ۴/۲ درصد بوده است و برای سال ۲۰۲۳م حدود ۲/۴ درصد و نرخ تورم ۳ درصد پیش‌بینی شده است.^۱ مجله فوربس این کشور را ثروتمندترین کشور جهان معرفی کرده است (نفت و انرژی، ۱۳۹۲، ص. ۴).

چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰م در دوره حمد بن خلیفه آل ثانی، پادشاه پیشین این کشور، به‌عنوان نقشه راهی برای آینده قطر با هدف ایجاد توازن بین دستاوردهایی که منجر به رشد اقتصادی می‌شود، با منابع طبیعی و انسانی این کشور و سوق دادن آن به سمت آینده روشن طراحی شد تا توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست‌محیطی قطر را در دهه‌های آینده هدایت کند. بر همین اساس تاکنون دو سند راهبرد توسعه ملی قطر در دوره سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۶م و همچنین ۲۰۱۸-۲۰۲۲م تدوین شده است. این اسناد توسعه ملی کشور قطر را در ابعاد مختلف مانند توسعه اقتصادی، انسانی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد توجه قرار داده و فرایند توسعه را به‌صورت دقیق شاخص‌گذاری کرده است. یکی از اهداف اصلی راهبرد توسعه ملی قطر، توسعه یک چهارچوب جامع برای رشد قطر و تنوع‌سازی اقتصادی و کاهش وابستگی به بخش نفت و گاز می‌باشد (Government Communications Office, 2008). یکی از ویژگی‌های مهم دیپلماسی اقتصادی قطر، تمرکز و تسلط دولت بر حوزه‌های مختلف دیپلماسی اقتصادی است. دولت قطر نقش و جایگاه اصلی و بلامنازع را در بخش‌ها و حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امیرنشین قطر داراست. به‌طوری‌که نه‌تنها سازمان‌ها و مؤسسات اقتصادی و اجتماعی مستقیماً تحت نظر دولت هستند بلکه تمامی کارکردها و مسئولیت‌ها به‌ویژه در سطح خارجی به‌طور انحصاری در اختیار دولت قرار دارد. به عبارت دیگر قسمت عمده دیپلماسی اقتصادی قطر در چهارچوب شبکه‌های دولتی انجام می‌شود. در نتیجه شرکت‌های خصوصی نقش چندانی در معادلات بین‌المللی ندارند.

۴. مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی اقتصادی قطر

باعنایت به الگوی تحلیل ارائه شده، چهار رکن اصلی دیپلماسی اقتصادی قطر عبارت‌اند از:

۴-۱. روند رشد تجارت خارجی قطر

هرچند کشور قطر در سال ۲۰۱۹م مستند به شاخص‌های تولید ناخالص داخلی، سرانه ضریب جینی، امید به زندگی و میزان جمعیت، ثروتمندترین کشور جهان انتخاب شد؛ اما دغدغه‌ها و نگرانی‌های امنیتی این کشور سران این کشور را به آنجا رهنمون شد تا اقتصاد خود را با محیط بین‌الملل پیوند بزنند. بر اساس اطلاعات صندوق بین‌المللی پول قطر در اکتبر ۲۰۲۰م با تولید ناخالص ملی معادل ۱۴۸ میلیارد دلار، رتبه ۵۶ را در میان کشورهای جهان دارد. برترین شرکای تجاری کشور قطر از لحاظ میزان صادرات به آن‌ها در سال ۲۰۱۹م به ترتیب ژاپن، کره جنوبی، چین، هند، سنگاپور، تایلند، پاکستان، انگلیس، ایتالیا و بلژیک بودند. این آمار حاکی از آن است که این کشور در بخش صادرات، پیوندهای اقتصادی ناچیزی با کشورهای همسایه خود دارد و بیشتر مصرف‌کنندگان گاز طبیعی مایع قطر، کشورهای آسیای شرقی هستند. در حوزه واردات، شرکای تجاری قطر در سال ۲۰۱۹م به ترتیب ایالات متحده آمریکا، جمهوری خلق چین، آلمان، بریتانیا، هندوستان، ایتالیا، ترکیه، پادشاهی عمان، ژاپن و کره جنوبی بوده‌اند. این آمار بیانگر این نکته مهم است که ۵ شریک تجاری برتر قطر در بخش واردات جزء کشورهای گروه ۷، یعنی کشورهای برتر صنعتی دنیا هستند. این آمار جایگاه کالاهای ساخته‌شده صنعتی را در واردات قطر به‌خوبی نشان می‌دهد (Trend Economy, 2019). این آمار همچنین بیان‌کننده این مطلب است که بستر سیاسی قطر به‌عنوان پیشران کارآمدی اقتصادی در این کشور عمل کرده و در راستای تقویت راهبرد انطباق سیاست خارجی قطر با نظام بین‌الملل عمل کرده است.

۴-۲. دیپلماسی انرژی

قطر در حوزه انرژی به‌مثابه یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان گاز مایع طبیعی در سطح جهان ظاهر شده و مثل روسیه در تلاش است تا به قدرتی تأثیرگذار تبدیل شود. مهمترین داشته‌های قطر در این رکن از دیپلماسی اقتصادی عبارت‌اند از:

الف. بهره‌برداری از منابع عظیم انرژی

مهمترین ابزاری که در شرایط فقدان بسیاری از عوامل می‌تواند به این کشور برای

دستیابی اهداف اقتصادی‌اش یاری رساند، وجود منابع عظیم و غنی انرژی است. قطر توانسته با ارائه یک الگوی بومی در زمینه دیپلماسی انرژی به دستاوردهای قابل‌توجهی دست یابد. از جمله سیاست‌های راهبردی قطر در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

یک. راهبرد تبدیل شدن قطر به عربستانی جدید: موتور محرکه سیاست خارجی قطر را منابع گاز طبیعی شکل می‌دهد. درآمدهای هنگفت ناشی از صادرات آن، سنگ‌زیربنای دیپلماسی اقتصادی قطر را شکل داده است (Dargin, 2007, p. 136). کسب عنوان بزرگترین صادرکننده گاز مایع طبیعی جهان سبب گردیده تا در عرض کمتر از دو دهه، قطر به یکی از بازیگران کلیدی منطقه‌ای خاورمیانه در روابط بین‌الملل تبدیل شود (Khatib, 2013, p. 417). ضمن اینکه صادرات گاز مایع از طریق آب‌های آزاد دسترسی بسیار قابل‌توجهی برای قطر به ارمغان آورده است. دولتمردان قطری از همان ابتدا راهبرد تبدیل‌شدن به یک عربستان دیگری در گاز طبیعی مایع را برای کشور خود طراحی کردند. بهره‌برداری حداکثری از منابع و ذخائر گاز طبیعی در همین راستا قابل‌ارزیابی است. پروژه معروف به دلفین که عظیم‌ترین طرح گازی در حوزه خلیج فارس است، از جمله این موارد است؛ پروژه مذکور، گاز موجود در میدان گنبد شمالی را به امارات متحده عربی و عمان می‌رساند. ذخایر حوزه انرژی کشور قطر، آن را به یک بازیگر برجسته و قابل توجه در زمینه عرضه جهانی انرژی تبدیل کرده است.

دو. راهبرد تسخیر بازار: قطر از طریق دیپلماسی انرژی خاص خود، معمولاً در بازارهایی وارد می‌شود که توانایی آن را داشته باشد تا بیشترین مقدار عرضه و قیمت را داشته باشد. این اقدام هوشمندانه در عرضه دیپلماسی انرژی باعث شده تا قطر بخش زیادی از نیاز انرژی کشورهای دیگر را به‌دست آورد و از این طریق به‌طور کاملاً حساب شده آن‌ها را در ثبات و امنیت خود شریک سازد. تنوع کشورهای مایع که قطر به آن‌ها گاز صادر می‌کند با راهبرد توسعه صادرات گاز طبیعی مایع، به این کشور این امکان و اجازه را می‌دهد تا نقش فعال و مؤثری را در بازار انرژی جهان ایفا کند. قطر در حال حاضر صادرکننده گاز به اقصی نقاط جهان

می‌باشد. در سال ۲۰۱۹م آرژانتین، مکزیک، برزیل، فرانسه، بلژیک، بریتانیا، ایتالیا، اسپانیا، ترکیه بعلاوه ژاپن، چین، هند، مالزی سنگاپور، تایلند، کره جنوبی، تایوان، پاکستان از این کشور گاز طبیعی مایع وارد می‌کردند).

جدول شماره (۱): حجم صادرات گاز مایع طبیعی قطر به کشورهای اروپایی سال ۲۰۱۸ (میلیارد متر مکعب)

کشور	حجم صادرات
بلژیک	۲/۷
فرانسه	۱/۱
بریتانیا	۲/۹
ایتالیا	۶/۳
اسپانیا	۳/۴
ترکیه	۳/۱
سایر اعضای اتحادیه اروپایی	۳/۱
مجموع	۲۲/۶

Source: (British Petroleum, 2019, p. 28)

ب. تعامل با نهادهای فعال در حوزه انرژی

از مؤلفه‌های دیگر دیپلماسی انرژی قطر حضور در مجامع و سازمان‌های انرژی است. قاعدتاً جایگاه و میزان اثرگذاری در مجامع و نهادهای انرژی به‌عنوان مهمترین سازمان‌های تصمیم‌ساز در عرصه انرژی می‌تواند بیانگر کامیابی یک کشور در نیل به اهداف و منافع ملی باشد. قطر اکنون عضو اوپک است و در ژانویه ۲۰۱۷ با تولید روزانه ۶۱۸ هزار بشکه نفت خام، دهمین کشور تولیدکننده نفت اوپک بوده است (OPEC, 2017). اگرچه سهم قطر در تولید نفت سازمان اوپک چندان قابل توجه نیست؛ اما به‌رحال عضویت در سازمان اوپک اثر مستقیمی بر سیاست خارجی و دیپلماسی این کشور داشته و خواهد داشت. همچنین قطر از اعضای اصلی اوپک^۲ (سازمان کشورهای صادرکننده گاز طبیعی) است و دبیرخانه این سازمان نیز در این کشور می‌باشد. این

موضوع می‌تواند تأثیر مهمی در افزایش تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی قطر در بازار گاز جهان داشته باشد. این سازمان منطقه‌ای با محوریت روسیه، ایران و قطر با هدف تنظیم بازار جهانی گاز و مبادله اطلاعات بین اعضا در این زمینه تأسیس شده است. از جمله اهداف و برنامه‌های قطر از طریق عضویت در این سازمان، ایجاد موازنه با عربستان، افزایش نقش و اهمیت خود برای آمریکا و سایر کشورهای اثرگذار بر تحولات خاورمیانه است. از زمان اجرای راهبرد انرژی قطر در دهه ۱۹۹۰، این کشور، مهمترین بازار انرژی خود را در اروپا در نظر گرفته است. از ابتدا بیشترین میزان صادرات گاز قطر به بازار کشورهای آسیایی صورت می‌گرفت. در دوره‌های افت قیمت نفت، رقابت فشرده در بازار جهانی گاز مایع طبیعی با ورود آمریکا و استرالیا و افت تقاضا از طرف بازارهای آسیایی (کره جنوب و ژاپن)، اروپا (اعضا و غیراعضای اتحادیه اروپا) به‌طور فزاینده، بازار بزرگ و قابل‌توجهی را در اختیار صادرات گاز قطر قرار داده است.

پ. طراحی و اجرای طرح‌های کلان در حوزه انرژی

قطر طرح‌های توسعه‌ای مربوط به گاز طبیعی خود را در چهارچوب پروژه‌های کلان ترکیبی با صنایع پایین‌دستی و صادرات گاز طبیعی مایع تعیین و تعریف می‌کند. این کشور برای اجرای این پروژه‌ها به مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی نفتی دارای فناوری نظیر شل، توتال و اکسون موبیل، شل نیاز دارد. قطر همچنین در بخش تبدیل گاز به مایع بسیار متری و جزء کشورهای است که تجهیزات و تأسیسات عملیاتی جی. تی. ال. را دارند (موسوی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰). در این راستا شرکت‌های اروپایی نقش بسیار مهمی در ایجاد و توسعه صنعت انرژی قطر داشته‌اند. در دهه ۱۹۹۰م نیز سرمایه‌گذاری‌های مشترک و قراردادهای جدید مشارکت در تولید با شرکت‌های بریتانیایی، هلندی، ایتالیایی، فرانسوی و دانمارکی از جمله رویال داچ شل و توتال باعث شده تا سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در توسعه شتابان صنعت گاز قطر انجام شود؛ البته شرکت عظیم نفتی آمریکایی به نام اکسون موبیل، در حال حاضر بزرگترین سرمایه‌گذار در زمینه صنعت مایع‌سازی گاز در میدان عظیم گازی راس لافان است (Miller and Al-Mansouri, 2016, p. 56).

ت. مدیریت فعال چالش‌ها در حوزه انرژی

درعین‌حال موانع بسیار زیادی در مسیر افزایش میزان سهم کشور قطر در بازار اروپا در برابر کشور روسیه وجود دارد. ازجمله اصلی‌ترین آن‌ها، توانایی دسترسی و قیمت می‌باشد. صادرات گاز قطر به اروپا به ناوگان عظیمی از تانکرهای مخصوص انتقال گاز نیاز دارد که سبب افزایش هزینه‌ها می‌گردد. این در حالی است که روسیه از طریق لوله گاز نورد استریم، گاز را از مسیر دریای بالتیک به کشور آلمان و با قیمت بسیار کمتر (تقریباً نصف قطر) به مشتریان خود در اروپا تحویل می‌دهد. مورد دوم در خصوص قیمت بالای گاز قطر، مربوط به زیرساخت‌های مرتبط با تولید گاز مایع طبیعی است؛ البته در این خصوص بعضی کشورهای اروپایی تمایل خود را به سرمایه‌گذاری اعلام نمودند؛ به‌عنوان نمونه بریتانیا در سال‌های اخیر نظر به کاهش میزان تولید گاز خود و افزایش مصرف به یکی از مشتریان عمده قطر تبدیل شده است. در شرق اروپا نیز لهستان، لتونی و استونی سرمایه‌گذاری زیادی بر روی زیرساخت‌های لازم برای تحویل گاز مایع صورت داده‌اند. حتی در صورت سرمایه‌گذاری جهت کاهش وابستگی به گاز روسیه از طرف کشورهای اروپایی، قطر باز هم برای تسلط بر بازار اروپا در میان‌مدت با چالش‌هایی مواجه است. آمریکا در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین صادرکننده گاز مایع دنیاست و این موضوع باعث می‌گردد تا بازار به‌شدت رقابتی شود. گستردگی بازار صادراتی و حضور رقابتی شرکت‌های مطرح بین‌المللی در حوزه انرژی قطر، از دلایل عمده ثبات اقتصادی در این کشور محسوب می‌شود. برای همین درحالی‌که بسیاری از کشورهای منطقه در تحولات انقلابی اخیر دچار نابسامانی و بی‌ثباتی شدند، قطر نه تنها شاهد هیچ‌گونه بی‌ثباتی و ناامنی نشد بلکه تحولات مذکور سبب‌ساز افزایش صادرات انرژی آن به کشورهای منطقه شد. افزایش میزان مصرف انرژی در منطقه از یک طرف و ناآرامی‌های اخیر در دنیای عرب از طرف دیگر، فرصت‌های تازه‌ای را برای رشد و گسترش صادرات نفت و گاز قطر به‌وجود آورد؛ به‌عنوان نمونه انقلاب و ناامنی در مصر سبب تشویق کشور اردن برای واردات گاز از قطر گردید درآمدهای عظیم این کشور از صادرات انرژی از سوئی و عدم تمایل به درگیری با سایر قدرت‌های جهانی، این کشور را در رده کشورهای با ثبات خاورمیانه و سی‌امین کشور جهان قرار داده است.

۴-۳. جذب سرمایه‌گذاری خارجی

راهبرد فعال قطر جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. حسب گزارش‌های بین‌المللی موجود، قطر در صدر کشورهای قرار دارد که راهبرد جذب سرمایه خارجی را در دستورکار دارند. دلیل این توفیق از آنجاست که:

الف. توانمندسازی داخلی متناسب با شرایط خارجی

گزارش‌های رسمی بین‌المللی اشاره دارند که توانایی اقتصاد قطر برای حفظ جایگاه برتر و تقویت کارایی‌اش در جذب سرمایه خارجی، یکی از عوامل مهمی است که قطر را به‌ویژه بعد از بازسازی بخش بحران‌زده املاک و مستغلات در کشورهای اروپایی و کشورهای همسایه بعلاوه بازسازی بخش نفت و گاز، به بهترین مکان برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی تبدیل کرده است. سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۰م به بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور رسید. قطر از این لحاظ بعد از عربستان سعودی دومین کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بین کشورهای جهان عرب است. طبق گزارش مذکور قطر پیشنهاد می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی فرصت همکاری در طرح‌های سرمایه‌گذاری با ارزش ۱۲۵ میلیارد دلار را تا ۵ سال آینده دارد (Al-Tamimi et al., 2023, p. 63).

ب. جذابیت بازار قطر برای شرکت‌های خارجی

شرکت‌های خارجی میلیاردها دلار در اقتصاد قطر سرمایه‌گذاری کرده‌اند که دلیل آن جذابیت‌های قانونی و اقتصادی برای آنها در بازار قطر است؛ برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

یک. شرکت‌های آمریکایی: شرکت‌های آمریکایی در بخش انرژی با شرکت ملی نفت و گاز قطر، برای توسعه بزرگترین میدان گاز طبیعی جهان و تأسیسات تولید پتروشیمی در مقیاس بزرگ در توسعه میدان گنبد شمالی (پارس جنوبی) همکاری فعال داشته‌اند. دلیل این جذابیت به قوانینی چون قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی قطر بازمی‌گردد که به شرکت‌های آمریکایی اجازه می‌دهد تا ۱۰۰ درصد در اکثر بخش‌های اقتصادی مالکیت داشته باشند و قانون مشارکت عمومی -

خصوصی^۳، تنوع اقتصادی را ارتقا داده و فرصت‌های بیشتری را برای شرکت‌های خارجی در آموزش، فناوری‌های زیست‌محیطی و مراقبت‌های بهداشتی ایجاد کرده است. شرکت‌های آمریکایی در قطر در زمینه ارائه تخصص فنی، مدیریت پروژه، تجهیزات و خدمات ساخت‌وساز به پروژه‌های بزرگ قطر، مانند پروژه توسعه میدان گازی گنبد شمالی (پارس جنوبی)، ساخت‌وساز پروژه‌های قطر به‌عنوان میزبان جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲م، مسابقات فرمول یک، و چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰م فعال هستند. مأموریت دوحه ابتکاراتی که اهداف سیاست آمریکا را تقویت می‌کند، مانند مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی و مشارکت برای زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری جهانی، از طریق افزایش سرمایه‌گذاری‌های راهبردی آمریکا و قطر را مورد حمایت قرار می‌دهد (U.S Department of State, 2022, p. 3).

دو. شرکت‌های ژاپنی: ژاپن چه از طریق صندوق‌های ژاپنی و چه از طریق قراردادهایی برای توسعه اقتصاد قطر در این کشور سرمایه‌گذاری می‌کند. سرمایه‌گذاری دوطرفه از طریق ایجاد کمیته مشترک اقتصادی ژاپن و قطر در سال ۲۰۰۶، که سالانه تشکیل جلسه می‌دهد، افزایش یافته است. دو شرکت ساخت‌وساز تایشی^۴ و تاکناکا^۵ تا قبل از جام جهانی در پروژه‌های زیرساختی بزرگ قطر از جمله ساخت پایانه‌های اصلی فرودگاه بین‌المللی جدید دوحه^۶ مشارکت داشتند. پروژه‌های بسیاری وجود دارد که در آن‌ها شرکت‌های ژاپنی در زمینه‌هایی دارای مزیت و تخصص هستند؛ مانند راه‌آهن، مترو، استادیوم و آب. علاوه بر این، ژاپن که تجربه میزبانی جام جهانی ۲۰۰۲م را داشته، برای موفقیت جام جهانی ۲۰۲۲م در قطر آمادگی خود را اعلام کرد و در عمل نیز در پروژه‌های زیربنایی، خدمات شایانی را انجام داد. شرکت‌های ژاپنی در زمینه‌هایی مانند ساخت‌وساز، ماشین‌آلات صنعتی، ساخت و مهندسی، به‌ویژه در پروژه‌های زیربنایی برای جام جهانی ۲۰۲۲م مشارکت داشته‌اند. شرکت‌های ژاپنی میتسوبیسی^۷ و هیتاچی^۸ در ساخت بزرگترین پروژه آب‌شیرین‌کنی در قطر فعال هستند. طبق گزارش رویترز در می ۲۰۱۵م شرکت میتسوبیسی و شرکت نیروی برق توکیو^۹ قراردادی به ارزش ۳۰۰ میلیارد یکن (۲/۵ میلیارد دلار) برای ساخت نیروگاه گازسوز در قطر امضا کرد. در مجموع در سال‌های

منتهی به جام جهانی ۲۰۲۲ شرکت‌های ژاپنی زیادی در زمینه ساخت‌وساز در قطر فعالیت داشتند (Andressen, 2016, p. 5). قطر و ژاپن در زمینه علمی و آموزشی نیز همکاری دارند. از سال ۲۰۱۵م دانشگاه قطر، توافقنامه‌ای با شورای تجارت خارجی ژاپن^{۱۱} در زمینه تحقیقات مشترک علمی و برنامه مبادله دانشجو به امضا رسانیده است. شرکت ماروبنی به‌ویژه در این زمینه فعال بوده و یک یادداشت تفاهم با دانشگاه قطر در سال ۲۰۱۲م با اختصاص ۶ میلیون دلار به مدت ۵ سال امضا کرده است که مطابق آن این شرکت مبلغ مذکور را در زمینه طراحی و اجرای پروژه‌های آموزشی و فرهنگی در جامعه قطر هزینه می‌کند. شهر چیتا^{۱۱} در نزدیکی ناگویا^{۱۲} در مرکز ژاپن، خواهرخوانده شهر دوحه است. این رابطه از سال ۲۰۰۵م شروع شد؛ زمانی که چیتا میزبان هیئتی از قطر در زمان برگزاری نمایشگاه جهانی آیچی^{۱۳} بود. به‌نظر می‌رسد که این یک رابطه معمولی خواهر - شهری است که در آن گروه‌هایی از دانش‌آموزان از کشورهای یکدیگر بازدید می‌کنند و نمایشگاه‌هایی از شیوه‌های فرهنگی سنتی را به اشتراک می‌گذارند (Andressen, 2016, p. 6).

پ. کشورهای اروپایی

بحران اقتصادی اخیر در حوزه یورو، موجب افزایش آسیب‌پذیری بیش از پیش از پیش کشورهای کوچک اروپایی شد. قبرس، ایرلند، ایسلند، یونان، پرتغال، استونی، لتونی و لیتوانی با بحران و رکود عمیق اقتصادی و مالی مواجه شدند؛ اما کشورهای کمتربحران‌زده مثل لوکزامبورگ، فنلاند، اتریش، بلژیک و نروژ درس‌های ارزشمندی برای قطر در مسیر توسعه داخلی پایدار داشتند. همه این کشورها مانند قطر با چالش کوچک‌بودن کشور، سطح پایین تولیدات صنعتی و قیمت بالای تولید داخلی مواجه هستند. راهکارهای بلندمدت این کشورها برای مقابله با محدودیت‌ها و چالش‌ها، می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر کشورهای کوچک باشد. قطر با استفاده از تجربه کشورهایی مانند ایرلند در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مالیات بر درآمد شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی فعال در صنایع غیرنفتی را از ۳۵ به ۱۲/۵ درصد کاهش داد (Miller & Al-Mansouri, 2016, p. 59). کشورهای کوچک ذکرشده

همگی از ظرفیت قانونی و سیاسی بالایی در نظام بین‌الملل برخوردار هستند و همین امر به قطر کمک نموده تا از همکاری و حمایت آنها برای رسیدن به اهداف خودش بهره بگیرد. از این منظر اگر بدانیم که توسعه سرمایه انسانی بخش مهمی از توسعه سرمایه اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار است؛ آنگاه دلیل توجه قطر به کشورهای مزبور مشخص می‌شود. نتیجه آنکه برنامه توسعه سازمان ملل متحد^{۱۴}، نرخ شاخص توسعه انسانی^{۱۵} قطر را در سال ۲۰۱۸م با عدد ۰/۸۴۸ و رتبه ۴۱ در بین ۱۸۹ کشور جهان در زمره کشورهای با توسعه بالای انسانی قرار داده است (UNDP, 2019). در همین محدوده زمانی کشورهای کوچک اروپایی که از رتبه‌های بالایی در زمینه شاخص توسعه انسانی برخوردار بودند، از این نظر تجربه ارزشمندی برای کشور قطر در زمینه دستیابی به توسعه اجتماعی به همراه داشتند؛ برای مثال می‌توان به نروژ اشاره داشت. درست همزمان با روند اکتشافات گاز در قطر در اوایل دهه ۱۹۶۰، رابطه دو کشور قطر و نروژ شروع شد و در حوزه‌های گوناگون توسعه یافت. در حال حاضر یکی از مهمترین شرکتهای تولیدکننده اوره و آمونیاک در دنیا با مشارکت دو کشور در سرمایه‌گذاری در قطر فعال است. شرکتهای نروژی در تولید محصولات پتروشیمی در کشور قطر فعالیت دارند. زمینه دیگر همکاری و مشارکت دو کشور، حوزه انتقال دانش شیوه‌های نوین افزایش تولید مواد غذایی در راستای تلاش قطر برای دستیابی به کشاورزی پایدار و خودکفا است. از سال ۲۰۱۰م کارخانه تولید آلومینیوم قطر با مشارکت طرف نروژی شروع به کار کرد. نروژ به واسطه شرکت کونگزبرگ^{۱۶} در حوزه توسعه دانش فناوریانه و نوآورانه در قطر فعالیت دارد (Gulf Times, 2019). روابط دو کشور نروژ و قطر به‌عنوان نمونه‌ای برای گسترش مشارکت و همکاری‌های فناوریانه و نوآورانه بین دو کشور کوچک نه صرفاً از نظر تجاری و اقتصادی بلکه از نظر توسعه ملی حائز توجه است. بر اساس سند ملی چشم‌انداز ۲۰۳۰م قطر، این کشور در مسیر اقتصاد دانش‌بنیان و متنوع برای نیل به توسعه پایدار قدم برمی‌دارد و کشورهای کوچک اروپایی مهم‌ترین شریک قطر در این زمینه محسوب می‌شوند.

۴-۴. سرمایه‌گذاری در خارج

افزایش قدرت سرمایه‌گذاری خارجی قطر از نقاط تحول و گذار به سمت اقتصاد توسعه‌گرا بوده است. به‌طور متوسط منافع حاصل از سرمایه‌گذاری قطر سالانه از ۶ تا ۱۲ درصد است. جهت درک این راهبرد قطر توجه به نکات زیر ضروری است.

الف. افزایش توان کنشگری بین‌المللی

حجم سرمایه‌گذاری این کشور تقریباً ۱۵ تا ۲۵ میلیارد دلار است. بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹م منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی قطر که بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار در سال بوده، به این کشور اجازه داده تا در پروژه‌های اقتصادی جهانی با قدرت بیشتری کنش‌گری کند (Marie-Brady, 2021, p. 225). سرمایه‌گذاری در زمینه‌های ساختمان‌سازی، هتل‌سازی، زمین‌های کشاورزی، دام‌پروری و صنایع از این جمله است.

ب. تأمین بهتر نیازهای مالی

در دیپلماسی اقتصادی قطر توزیع هوشمند سبد سرمایه‌گذاری پیوسته مدنظر بوده است. برای سال‌ها قطر به‌دنبال تنوع‌بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دور از صنعت نفت و گاز با هدایت صندوق سرمایه‌گذاری مستقل خود یعنی، سازمان سرمایه‌گذاری قطر، برای خرید دارایی‌ها در اروپا، آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و جاهای دیگر بوده است. این سرمایه‌گذاری‌ها طیف وسیعی از بخش‌های خدماتی، مالی، بانکی و املاک و مستغلات بعلاوه کشاورزی و صنعت را دربرمی‌گیرد. این توزیع به‌دلیل توزیع عمودی و افقی این سرمایه‌گذاری‌ها به‌عنوان «هوشمند» توصیف می‌شود؛ زیرا شامل شرکت‌های بزرگی مانند سرمایه‌گذاری‌های گاز و پتروشیمی (چین و اندونزی) و سرمایه‌گذاری‌های گردشگری و املاک (کنری و وورف^{۱۷} و وان هاید پارک^{۱۸} لندن) و شراکت تجاری با بانک‌های خارج از کشور مانند بریتانیا (بارکلیز^{۱۹}) می‌شود. سرمایه‌گذاری‌ها همچنین شامل پروژه‌های خاصی مانند خرید فروشگاه‌های معروف هارودز^{۲۰} در لندن و سراسر جهان و همچنین پروژه‌هایی هستند که مستقیماً با مردم عادی مرتبط هستند؛ یعنی خرید سهام در شرکت‌ها، کارخانه‌های خودروسازی، خرده‌فروشی‌ها، مانند خرید فروشگاه‌های هارودز توسط هلدینگ قطر، با ارزش ۲,۲

میلیارد دلار که سالانه ۱۵ میلیون نفر از آن بازدید می‌کنند، می‌شود (Al-Tamimi et al., 2023, p. 61): برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

یک. قراردادهای قطر با آمریکا: طبق گزارش وزارت امور خارجه آمریکا، قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری گروه هواپیمایی قطر با بوئینگ، یکی از بزرگترین قراردادهای تاریخ بوئینگ است. از سال ۲۰۱۵م، قطر متعهد به سرمایه‌گذاری بیش از ۴۵ میلیارد دلار در آمریکا شده است. دولت قطر بیش از ۷۰ درصد از صندوق توسعه سالانه سازمان سرمایه‌گذاری قطر را به آمریکا اختصاص داده است. سرمایه‌گذاری عمدتاً در املاک، زیرساخت‌ها و خرده‌فروشی دارایی‌های سنگین بوده است. این سازمان با ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه، اکنون به‌دنبال سرمایه‌گذاری در بخش‌های فناوری و مراقبت‌های بهداشتی در سراسر ایالات متحده است (U.S Department of State, 2022, p. 3).

دو. قراردادهای قطر با انگلستان و فرانسه: قطر سرمایه‌گذار اصلی فروشگاه‌های زنجیره‌ای ساینزبری^{۲۱} است و یک‌چهارم سهام شرکت‌های خرده‌فروشی را در اختیار دارد. قطر همچنین بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار املاک سانگ برد^{۲۲} (بزرگ‌ترین شرکت املاک و مستغلات در بریتانیا و مالک و عامل کنری وورف، مرکز مالی معروف لندن) در لندن است و شرکت سرمایه‌گذاری املاک قطری دیار^{۲۳}، مالک ساختمان‌های معروف در لندن مثل ساختمان سفارت آمریکا می‌باشد. همچنین شرکت املاک و مستغلات بروا^{۲۴} که ۴۵ درصد سهام آن متعلق به قطری دیار است، مالک ساختمان هاوس پارک^{۲۵} در خیابان آکسفورد است. سازمان سرمایه‌گذاری قطر طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹م بیش از ۱۰ میلیارد یورو در صنعت ساختمان‌سازی پاریس سرمایه‌گذاری کرده است. در همین راستا تلاش این کشور برای به‌دست آوردن ساختمان «ویرجین» در شماره ۵۲ خیابان شانزله‌لیزه حاکی از تلاش قطر برای حضور بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی در جهت قدرت‌سازی و توسعه اقتصادی است (Al-Tamimi et al., 2023: 61).

سه. قراردادهای قطر با سایر کشورها: سازمان سرمایه‌گذاری قطر با پشتوانه منابع عظیم درآمد حاصل از فروش گاز طبیعی مایع شروع به سرمایه‌گذاری گسترده در

حوزه‌های مختلف نموده است. خرید ۴۰ درصد از سهام شرکت مواد غذایی و طیور «بنویت»^{۲۶} ترکیه به ارزش معادل ۱۹۰ میلیارد دلار، خرید بخش عمده سهام بانک ملی قطر با ارزش معادل ۱/۹ میلیارد دلار، خرید ۱۷ درصد از سهام شرکت «فولکس واگن» آلمان با ارزش معادل ۱۱ میلیارد دلار، خرید حدود ۱۰ درصد از سهام شرکت روسی «روستفت»^{۲۷} با ارزش حدود ۷ میلیارد دلار، خرید حدود ۵۳ درصد از سهام شرکت ارتباطات و مخابرات قطری - کویتی «اوریدو» با قیمت معادل ۵ میلیارد دلار، موجب افزایش ۲۵ درصدی ارزش سازمان سرمایه‌گذاری قطر بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷م شده است (IMF, 2019, p. 6). همچنین سازمان سرمایه‌گذاری قطر در شرکت سهامی سرمایه‌گذاری هولدینگ سیتیک^{۲۸}، یک سرمایه‌گذاری جایگزین که توسط گروه دولتی سیتیک و صندوق سرمایه‌گذاری مستقل چین حمایت می‌شود و بر سهام خصوصی در ژاپن، چین و آمریکا و املاک و مستغلات در چین تمرکز دارد، سرمایه‌گذاری کرده است. سازمان سرمایه‌گذاری قطر همچنین از طریق سرمایه‌گذاری مشترک با اسکات لیمیتد^{۲۹} در املاک و مستغلات در ژاپن سرمایه‌گذاری می‌کند. اسکات یک صندوق ۱۲,۶ میلیارد ینی به نام «کیتا لند»^{۳۰} را مدیریت می‌کند که در املاک اجاره‌ای در ژاپن سرمایه‌گذاری می‌کند. این صندوق، صندوق‌های سهام خصوصی را مدیریت می‌کند که در توسعه شهر رافلز در چین، مراکز خرده‌فروشی و پروژه‌های مسکونی و شهری در چین، هند و ژاپن سرمایه‌گذاری می‌شود. در سوی دیگر این معادله، سرمایه‌گذاری خارجی ژاپن در قطر است که برای دهه‌ها (و به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰) برقرار بوده است (Andressen, 2016, p. 5).

اعداد و ارقام مذکور بخشی از دیپلماسی قطر در دوره اخیر می‌باشد که در جهت تنوع‌بخشی به درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی برای ادغام و پیوند منافع در نظام اقتصادی بین‌الملل است تا بتواند موقعیت و جایگاه منطقه‌ای خود را از این طریق ارتقا دهد. از جمله برنامه‌های اعلامی دولت قطر برای تنوع‌سازی اقتصادی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳م که از سوی دبیرخانه عمومی برنامه‌ریزی توسعه قطر بیان شده می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

یک. گسترش صنایع و خدمات برای افزایش ضریب رقابتی جهانی با توجه به صنایع هیدروکربنی مانند توسعه صنایع گازی با همراهی انگلستان؛
دو. طراحی فعالیت‌ها به منظور توسعه اقتصادی که قطر در آن زمینه تخصص دارد؛
سه. تدوین راهبردهایی مبنی بر اقتصاد دانش‌بنیان، کارآفرینی، دولت پاسنخگو و کارآمد برای تقویت اقتصاد پساکربن اشاره کرد.

در همین راستا قطر در سال ۲۰۱۸م پارک علم و فناوری را تأسیس کرد و همچنین سازمان مناطق آزاد قطر را ایجاد کرد که مسئولیت توسعه و تنظیم مناطق آزاد را مطابق راهبردهای دولتی پیگیری می‌کند و در هدف کلان خود این مناطق مانند منطقه «رأس ابونطاس» به دنبال گسترش همکاری‌ها با کشورهای همسایه و توسعه روابط دریایی بوده‌اند. تأسیس پارک‌های علم و فناوری نیز مانند مرکز قطر مال در صدد توسعه همکاری‌های مبتنی بر دانش با منطقه و سیستم بین‌المللی هستند و نقطه آغاز تحول اقتصادی این کشور محسوب می‌شوند. به‌طورکلی این مناطق و نهادها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی شکل گرفته‌اند تا بستر تحول قطر باشند.

نتیجه‌گیری

قطر در عرصه منطقه‌ای در چند سال اخیر به دنبال ایفای نقش فعال و متمایزی در دیپلماسی اقتصادی‌اش نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس بوده است. هرچند چندین دهه پیش قطر، کشوری عقب‌مانده و توسعه‌نیافته بود؛ اما پس از قدرت یافتن شیخ حمد، این کشور تلاش بسیار زیادی را انجام داده است تا مسیر توسعه و پیشرفت را در زمینه‌های مختلف با شتاب بی‌سابقه و خیره‌کننده طی نماید. قطر کشوری کوچک و ذره‌بینی با وسعت کم و جمعیت اندک است و حیات، بقا و امنیت آن همیشه در معرض خطر و تهدید بوده است. به همین سبب هدف عمده تلاش‌ها و اقدامات این کشور تأمین امنیت و بقا بوده است. در این خصوص دولت قطر برنامه‌های اصلاحی را به اجرا درآورده و به طراحی و تدوین الگوی منحصر به فرد و قابل‌توجهی در حوزه داخلی و خارجی پرداخته است. قطر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را در عرصه داخلی صورت داده و در عرصه خارجی نیز به نحو هوشمندانه شبکه‌ای از روابط با

بازیگران دولتی و غیردولتی را در سطوح مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد نموده است. این رویکرد با تأکید بر عملگرایی مورد توجه دولت‌مردان قطری بوده است و مجموعه این برنامه‌ها الگوی خاصی را به نمایش گذاشته است. به‌کارگیری فنون دیپلماسی نوین در سیاست خارجی امیرنشین قطر، نقش شایان توجهی در اداره سیاست خارجی و دیپلماسی این کشور بر عهده داشته و طبیعتاً ظرفیت‌ها و فرصت‌های ارزشمند و بی‌نظیری در مسیر نقش‌آفرینی فعال در عرصه خارجی فراهم ساخته است. انعطاف‌پذیری و عملگرایی در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی، تحولی راهبردی از سیاست خارجی منفعلانه و محافظه‌کارانه به سیاست خارجی پویا، فعال و انعطاف‌پذیر محسوب می‌شود که ناظر بر نقاط ضعف و قوت، چالش‌ها و فرصت‌ها و قابلیت‌ها بوده و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و ابزار گوناگون از جمله به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی فعال و قوی در مسیر تحقق اهداف کلان صورت می‌گیرد. در این مسیر دولت قطر به دلیل ماهیت رانتی و درک صحیح دولتمردان از این موضوع یک نوع دیپلماسی انرژی مؤثر و کارآمد را به اجرا گذارده و از طریق توسعه مبادین نفت و گاز و گسترش بازار انرژی دستاوردهای قابل توجهی در این زمینه داشته است. دولت قطر همچنین از طریق ادغام در اقتصاد جهانی و پیوندهای گسترده و عمیق با بازار جهانی، به گسترش صادرات و رشد تجارت خارجی خود پرداخته است. این کشور همچنین به نحو قابل‌توجهی در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و متقابلاً صدور سرمایه موفق بوده و دستاوردهای مهمی داشته است. قطر بدون تردید در مسیر اجرای دیپلماسی اقتصادی سابقه و رکورد بی‌نظیری از خود در سطح منطقه بر جای گذاشته و از این طریق در تأمین منافع و اهداف ملی خود در سیاست خارجی گام برداشته است.

یادداشت‌ها

- 1 imf.org/external/datamapper/NGDPDFC
- 2 -Organization of Gas Exporting Countries (OGEC)
- 3 -Public-Private Patnership
- 4 - Taisei
- 5 - Takenaka
- 6 - New Doha International Airport
- 7 - Mitsubishi
- 8 - Hitachi
- 9 - Tokyo Electric Power Co (TEPCO)
- 10 - Japan s Foreign Trade Council
- 11 - Chita City
- 12- Nagoya
- 13 - Aichi World Exposition
- 14 -United Nations Development Programme (UNDP)
- 15 -Human Development Index (HDI)
- 16 -KONGSBERG
- 17-Canary Wharf
- 18 - One Hyde Park
- 19 - Barclays
- 20 -Harrods stores
- 21- Sainsbury s supermarket chain
- 22 - Song Bird Estates
- 23 - Qatary Diar
- 24 - Barwa Real Estate Company
- 25 - Park House
- 26 -Banvit
- 27 -Rusneft
- 28 - Citic Capital holdings Ltd
- 29 - Ascott Limited
30. Capita Land

کتابنامه

- اصغری ثانی، حسین و رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۳). «نقش عوامل نرم‌افزاری در تحول منزلت ملی قطر»، *مطالعات قدرت نرم*. ۴(۱۰): ۲۵-۴۸.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶). «اقتصاد سیاسی، دیپلماسی کارآمد در نظام جهانی؛ مبانی، ابزارها و راهکارها»، *نشریه دانش سیاسی*. ۳(۱): ۱۵۱-۱۷۸.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸-الف). «مبانی نظری دیپلماسی نوین: هدایت دیپلماسی در عصر سیاست جهانی»، *در دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی ایران*. گردآوری حسین پوراحمدی، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸-ب). «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه دانش سیاسی. ۴۰-۵: (۲)۵.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۵). «تطور دیپلماسی در قطر: از بی‌طرفی محافظه‌کار تا نفوذ هوشمند»، فصلنامه علوم سیاسی. ۱۲(۳۵): ۱۲۷-۱۵۶.
- رجبی بهجت، داوود (۱۳۹۴). «سیاست خارجی قطر: چالش‌ها و فرصت‌ها (۱۹۹۶-۲۰۱۴)»، مطالعات راهبردی جهان اسلام. ۱۶(۲): ۱۰۹-۱۳۸.
- رنجبر حیدری، وحید؛ فرجی، محمدرضا و جمشیدی، ابراهیم (۱۳۹۴). «نقش شبکه خبری الجزیره در دیپلماسی رسانه‌ای قطر»، سیاست جهانی. ۴(۱): ۲۰۳-۲۳۵.
- رنجکش، محمدجواد؛ اصغری ثانی، حسین و محقر، احمد (۱۳۹۲). «برندسازی در دیپلماسی نیچ‌های قطر»، فصلنامه مطالعات سیاسی. ۵(۱۹): ۱۴۵-۱۷۸.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶). «دیپلماسی و روابط بین‌الملل». تهران: نشر میزان.
- کر، پالین، وایزمن، جفری (۱۳۹۲). «دیپلماسی در عصر جهانی‌شدن». (عباس کاردان، مترجم)، تهران: ابرار معاصر.
- گریفیتس، مارتین؛ روچ، استیون و سولومون، اسکات (۱۳۹۳). «پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل». (علیرضا طیب، مترجم)، تهران: نشر نی.
- موسوی، سیده‌مریم (۱۳۹۳). «جایگاه گاز طبیعی در اقتصاد، اشتغال کشورهای روسیه، قطر و ایران»، گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۴۰۱۱.
- نفت و انرژی (۱۳۹۲)، «آشنایی با کشورهای نفت‌خیز جهان: کشور قطر»، در تارنمای: <http://www.energyconf.ir>. Accessed on: 2022/09/08.
- Al-Tamimi, Nawaf, Amin, Azzam, Zarrinabadi, Nourollah (2023). *Qatar's National Branding and Soft Power: Exploring the Effects on National Identity and International Stance*. Switzerland: Springer.
- Andressen, Curtis (2016). "Soft Power and Japan-Qatar Relations", *WEI international Academic Conferenc Proceeding*. Barcelona, Spain.
- Dargin, Justin (2007). "Qatar Natural Gas: The Foreign Policy Driver", *Middle East Policy*. 14(3): 78-97.
- Government Communications Office (2008). *Qatar National Vision 2030*. Doha: Qatar.
- Gulf Times (Dec 25, 2019). "Norway firms, Qafco mark 50 years of partnership", Retrieved December 25, 2019, from Gulf Times Web site: <https://www.gulfimes.com/story/647411/Norway-firms-Qafco-mark-50-years-of-partnership>. Accessed on: 2021/11/12.
- <https://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/energy-economics/statisticalreview-2019/bp-statistical-review-of-world-energy-2019-full-report.pdf>. Accessed on:

2022/01/9.

<http://www.forbes.com/2022/05/26>. Accessed on: 2022/09/12.

https://www.imf.org/external/datamapper/NGDPDPC@WEO/OEMDC/ADVEC/WEO_WORLD. Accessed on: 2022/11/12.

http://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/data_graphs/MI012017.pdf. Accessed on: 2020/07/12.

IMF (2019). "IMF Country Report No.19/146", at <https://www.google.com/url?sa=t&andrcd=andcad=rja&andved=2ahUKEwj2gJ7O1ozuAhUEiFwKHT5OADAQFjAlegQICxAC&andurl=https%3A%2F%2Fwww.imf.org%2F~%2Fmedia%2Ffiles%2Fpublication%2FCR%2F2019%2F1QATEA2019001.ashx&andusg=AOvVaw0ESuz6kG8LKpKweknlgz0X>. Accessed 2021/01/09.

Khatib, Lina (2013). Qatar's foreign policy: the limits of pragmatism, *International Affairs*. 89(3): 263-282.

Marie-Brady, A. (2021). *Small States and the New Security Environment*. Springer.

Miller, R., Al-Mansouri, K. (2016). "Qatar's Foreign Policy Engagement with the European Union: Evolving Priorities of a Small State in the Contemporary Era", *Comillas Journal of International Relations*. 17(5): 143-158.

Trend Economy (2019). "Qatar's imports and exports", at <https://trendeconomy.com/data/h2/Qatar/TOTAL>. Accessed on: 2021/6/7.

UNDP (2019). "Human development reports", Retrieved December 12, 2019, from UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME Website: <http://www.hdr.undp.org/en/data>. Accessed on: 2022/02/12.

U.S Department of State (2022). "Integrated Country Strategy: Qatar", approved July 27, 2022.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني